

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» انبیا / آیه 107

ما تو را برای جهانیان نفرستادیم مگر از روی رحمت

### سلام بر محمد پیام آور رحمت

تقدیم به: روان پاک پدرم مرحوم سیدحسن میرشریفی  
که در حین نگارش کتاب به رحمت ایزدی پیوست.

### پیشگفتار چاپ دوم

پس از چاپ نخست پیام آور رحمت بعضی از اساتید و دانشمندان به دید مرحمت به آن نگریستند و کریمانه از آن به نیکی یاد کردند. از جمله استاد محمدرضا حکیمی نویسنده نامدار ایران، دکتر احمد مهدوی دامغانی استاد دانشگاه هاروارد ایالات متحده آمریکا و دکتر سیدحسین نصر استاد دانشگاه جورج واشنگتن ایالات متحده آمریکا.

از سوی سازمان حج و زیارت نیز برای آموزش در بین روحانیون اعزامی به سفر حج و عمره به نام *درسنامه آشنایی با تاریخ اسلام* در قالب پانزده درس در دو جلد به قطع رقعی تنظیم و چاپ شد. همچنین به زبان‌های فرانسه، روسی، اردو و ترکی آذری ترجمه شد و قرار است انشاءالله به دیگر زبانهای زنده دنیا از جمله عربی، انگلیسی و اسپانیایی نیز ترجمه گردد.

اینجانب در چاپ دوم تجدید نظر کلی نمودم و مواردی را اصلاح کردم و مطالبی را نیز افزودم و در حد توان از نواقص و کاستی کتاب کاستم.

در پایان لازم می‌دانم یادآور شوم که بدون هیچ‌گونه شک و تردید تمامی عنایات و توجهات عالمان و مراکز علمی به این اثر از الطاف بی‌کران الهی بوده و مربوط به صاحب اصلی کتاب، یعنی شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، منادی حریت و پیام آور رحمت است.

قم - سیدعلی میرشریفی

آبان 1390

ذیقعه 1432

## پیشگفتار

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين درود و رحمت بی پایان خداوند بر روان پاک و تابناک یگانه منجی عالم انسانیت، پیام آور رحمت، رسول خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که آفرینش نظام هستی ظل و طفیلی وجود مقدس آن بزرگوار بود و همان بزرگ قافله سالار قافله بشری و رسول مهر و محبت بود که جهان تاریک و فرورفته در ظلمت و خشونت و فساد و تباهی را با نور و رحمت و مهر و عطف خود روشنایی بخشید و نجات داد.

مدت هفت سال بود سرور ارجمند و دوست دانشمند حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمدی ملایری مسئول محترم سازمان سمت و عضو برجسته شورای عالی انقلاب فرهنگی می فرمود کتابی مختصر درباره سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در حد دو واحد برای تدریس در دانشگاههای کشور بنویسم. اینجانب به لحاظ اشتغالات زیاد از جمله نگارش سیره جعفر طیار علیه السلام نمی توانستم بپذیرم. وانگهی نگارش و ترسیم زندگانی و بعثت خاتم پیامبران و برترین فرد انسان به دست کوچک ترین فرد بشر کاری است بس دشوار تا آنکه در تابستان هزار و سیصد و هشتاد جناب آقای دکتر احمدی به اتفاق معاون خود برادر گرانقدر حجت الاسلام دکتر سیدطه مرقاتی به روستای بیلاقی ما واقع در ضلع غربی شهرستان قم تشریف آوردند و امر فرمودند باید این کار را شروع کنید و تشخیص اولویت کارها را بر عهده ما بگذارید.

اینجانب به ناچار پذیرفتم و از خداوند حکیم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله استمداد طلبیدم. آنگاه با اساتید و بزرگان این فن در داخل و خارج کشور مشورت و رایزنی نمودم و از تجربیات و راهنمایی های ارزشمند آنان بهره بردم استاد مسلم و متخصص سیره نبوی دوست گرانمهر و استاد بزرگوار ما مورخ محقق حجة الاسلام والمسلمین استاد سیدجعفر مرتضی عاملی در حال حاضر در جنوب لبنان به سر می برد. در زمستانی سرد به روستای استاد واقع در نزدیکی مرز فلسطین اشغالی رفتم. ایشان با آغوش باز مرا پذیرفت و خونگرمی استاد از شدت سرما کاست. پاره ای از مشکلات و معضلات کار را با معظم له در میان گذاشتم و او راهنمایی های لازم را مبذول داشت و سی دی مجلدات چاپ نشده کتاب ارزشمند *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* مرا در اختیار اینجانب قرار داد که در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و از ایشان تشکر می کنم.

برای تحقیق میدانی درباره جنگ موته به کشور اردن سفر نمودم و از شهرهای موته، مزار، معان، منطقه بلقا و بندر عقبه در نزدیکی مرز عربستان دیدن کردم. این سفر به دعوت مدیر مؤسسه آل البيت اردن، دوست ارجمند جناب استاد دکتر ابراهیم شَبوح انجام شد که واجب است از زحمات و همچنین رهنمودهای ایشان درباره نحوه نگارش کتاب تشکر کنم. بسیار مشتاق بودم به عربستان نیز سفر کنم و تحقیقات میدانی خود را ادامه داده و تکمیل نمایم ولی برخلاف تلاش زیاد موفق به اخذ ویزا نشدم.

در شیوه کار از اصل معمول و مورد قبول مورخان و محققان عرصه تاریخ که کشف حقیقت مبتنی بر نصوص تاریخی در پرتو قراین و شواهد است پیروی شد و از استحسان و حدسیات بی پایه و اساس

خودداری گردید. بیشتر عنایت اینجانب بر این بود که ناگفته‌ها و کم‌گفته‌ها و مشکلات و معضلات سیره را در حد وسع و توان خود بیان کنم. در نقل مطالب نیز متن مباحث و گفتگوها درج گردید تا اساتید و دانشجویان با ذوق و سلیقه خود از آن برداشت نموده و تفسیر و تحلیل نمایند. در روش ترجمه و انتخاب الفاظ و اصطلاحات هم اهتمام بر این بود که حال و هوای روزگار صدر اسلام ترسیم گردد. در انتخاب مطالب و گزینش مصادر صرفاً به منابع سیره و تاریخ اسلام بسنده نشد بلکه از صدها کتاب گوناگون از جمله تفسیر، حدیث، رجال، فضایل، ادبیات و غیر آن استفاده گردید. تألیفات ارزشمند معاصران نیز از نظر دور نبود.

با توجه به آموزشی بودن کتاب اصل ایجاز و گزیده‌نویسی مد نظر بود، با این وصف کوشش شد تا از جامعیت آن کاسته نشود. برای رعایت اختصار و یکنواختی مطالب از نوشتن پابرج و ارجاع به مصادر در پاورقی خودداری گردید و گزیده منابع در همان متن کتاب ذکر شد که توضیح آن در فهرست منابع آمده است. اگر توفیق یار گردید و کتابی به عنوان منبع و مرجع این درس تدوین گشت، تفصیل مطالب همراه ارجاع به مصادر به طور گسترده در آنجا ذکر خواهد شد.

تعداد زیادی از دوستان فاضل و اساتید بزرگوار اوراق این متن را پیش از چاپ مطالعه کردند و برخی در بعضی از دانشگاه‌ها تدریس نمودند و سپس توضیحات و پیشنهادهای سودمندی را متذکر شدند که از تمامی آن عزیزان سپاسگزارم. در صدر این بزرگواران دو فرزانه هستند که بر خود فرض می‌دانم از آنان با عظمت و نیکی یاد نمایم؛ یکی دانشمند نادرالمثال جناب حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمدرضا حکیمی که خداوند عمر پربرکتش را بلند گرداند، استاد پاره‌ای از این اوراق را کریمانه و با دقت اعجاب‌انگیز از نظر گذراند و تذکرات بسیار ارزشمندی را ارائه داد. دیگری سرور مکرم جناب آقای دکتر احمد احمدی که توفیقش در خدمت به فرهنگ این مرز و بوم افزون باد، با دقت خاص خویش کتاب را ملاحظه و اصلاحات مفیدی را اعمال کرد. اجر و پاداش همه این دانشوران با صاحب کتاب باد. بی شک همه این نعمت‌ها لطف و مرحمت پروردگار بود که بر حقیر ارزانی داشت، پس در هر حال سپاس و تشکر از آن اوست.

سیدعلی میرشریفی

قم عیسی آباد

شهریور 1385

شعبان 1427

## مقدمه

## آشنایی اجمالی با جزیره‌العرب

## اوضاع جغرافیایی و اقتصادی

جزیره‌العرب به صورت شبه جزیره‌ای است بزرگ که به گفته اطلس السیره‌النبویه /18 با مساحتی بیش از سه میلیون کیلومتر مربع در انتهای جنوب غربی آسیا قرار دارد. از غرب به خلیج عقبه و دریای سرخ و از شرق به دریای عمان و خلیج فارس و از جنوب به خلیج عدن و از شمال به سرزمین عراق و اردن (بادیه‌الشام) محدود است. جزیره‌العرب دارای سه بخش اصلی است؛ بخش مرکزی که وسیع‌ترین قسمت جزیره‌العرب را تشکیل می‌دهد و به صحرای عرب معروف است، بخش شمالی به نام حجاز است که شهرهای مهم مکه و مدینه در آن قرار دارد و بخش جنوبی که شامل منطقه یمن است. جزیره‌العرب دارای بیابان‌های خشک و بی‌آب است و به جز در برخی مناطق مانند یمن، طائف و مدینه کشاورزی رونق چندانی ندارد.

کار عمده ساکنان جزیره‌العرب در صدر اسلام دامداری، بازرگانی و داد و ستد بود. چون این منطقه بین کشورهای آسیا و اروپا قرار داشت از نظر تجارت حائز اهمیت بود. در روزگاران قدیم چینی‌ها و هندی‌ها کالاهای خود را از این طریق به اروپا و مصر حمل می‌کردند. وجود کعبه که مطاف و مورد احترام مردم جاهلیت بود اهمیت آن را دوچندان می‌کرد. با این وصف جزیره‌العرب منابع اقتصادی و درآمد قابل‌اعتنایی نداشت، به همین سبب هیچ‌یک از کشورگشایان آن روزگار مانند امپراتوری‌های روم و ایران، جز در برخی موارد، چشم طمع بدان ندوخته بودند.

## وضعیت سیاسی و اجتماعی

دو طایفه بزرگ در جزیره‌العرب زندگی می‌کردند، قحطانیان در جنوب و عدنانیان در شمال قحطانیان عرب اصیل بودند که به آنان عرب عاربه می‌گفتند و عدنانیان عرب مستعربه یعنی عرب غیر اصیل بودند، هر چند برخی از نویسندگان عرب مانند مؤلف *اطلس السیره‌النبویه/24* در وجود عرب مستعربه تشکیک کرده و منکر آن شده‌اند و عصر حضرت ابراهیم علیه‌السلام را عصر عربی می‌دانند. مردم این سرزمین خصوصاً شمال آن خشن، متکبر، خونخوار و چپاولگر بودند و گاهی برای مسئله‌ای بسیار جزئی جنگی بس طولانی برپا می‌داشتند. در جزیره‌العرب به جز یمن، یمامه، عمان و بحرین نظام پادشاهی و حاکمیت دولت مرکزی وجود نداشت. حاکمان قسمتی از این سرزمین همان رؤسای قبایل بودند که تدبیر امور به دست آنان انجام می‌شد. در شهر مکه نیز سران طوایف در مسجد الحرام یا دارالندوه انجمنی تشکیل می‌دادند و مشکلات بازرگانی، اختلافات قبیله‌ای و دیگر مسائل و معضلات را حل می‌کردند. در هر طایفه‌ای از قریش رئیسی بود و به نوشته محمدبن حبیب بغدادی در کتاب المنمق/331 ریاست قریش

با عبد مناف بود و سپس به فرزندانش هاشم و عبدالمطلب رسید. عبدالمطلب در فضل و بزرگواری و شرافت از همه بالاتر و برتر بود یعقوبی 2/11 می‌نویسد: قریش می‌گفتند عبدالمطلب ابراهیم دوم است. در حجاز جز همان پیمان‌هایی که بین قبایل منعقد می‌گشت و به موجب آن حقوق هر قبیله و وابستگان آن محترم شمرده می‌شد قانون دیگری وجود نداشت و اگر فردی جزء قبیله‌ای نبود و یا پیوندی با دیگر قبایل نداشت کسی از او دفاع و حمایت نمی‌کرد. به طور طبیعی قبایل بزرگ‌تر از حقوق بیشتری برخوردار بودند و می‌توان گفت زور و شمشیر یگانه قانون آن دیار به شمار می‌آمد.

### دین و فرهنگ

گویند عرب‌های حجاز در قدیم تابع دین حنیف یعنی پیرو آیین حضرت ابراهیم علیه‌السلام بودند ولی بعدها به بت‌پرستی گرایش پیدا کردند. دین مسیح در نجران و آیین یهود در مدینه پیروانی داشت با این وصف این دو دین هم چندان رونقی نداشت. گویند آیین صابئی، مانوی و زرتشتی در برخی قبایل عرب رواج داشته که از نظر تاریخی چندان قابل اثبات نیست. به هر حال مقارن ظهور اسلام بیشتر مردم جزیره‌العرب بت‌پرست بودند.

مردم حجاز به طور عموم از نظر سطح معلومات و فرهنگ تقریباً در حد صفر بودند و به طور نیمه وحشی زندگی می‌کردند. توده‌ای از خرافات و افسانه سراپای آنان را پوشانده بود تا آنجا که دختران خود را زنده به گور می‌کردند! قرآن سوره تکویر آیه هشت و نه می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» آنگاه که از دختر زنده به گور شده بپرسند که به کدام گناه کشته شده است؟

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه/68 می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ، مَنِخُونٌ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَدِيرَ وَ تَأْكُلُونَ الْخَشِيبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقَطِّعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَالْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ» شما ای گروه عرب بدترین آیین را داشتید و در بدترین سرزمین بودید، در بین سنگ‌های سخت و مارهای گزنده می‌خوابیدید، آب تیره می‌نوشیدید و غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردید، بت‌ها در میان شما برپا و گناهان سراپای شما را فرا گرفته بود

تمامی این مشکلات، نابسامانی‌ها و بی‌فرهنگی‌ها را قرآن در یک جمله کوتاه در آیه صدوسه سوره آل عمران چنین بیان کرده است: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» بر لب پرتگاهی از آتش بودید که خدا شما را از آن رهانید و از این روست که در آیه صد و شصت و چهار همین سوره نیز می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَلْعَلُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» هر آینه خداوند بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که از خودشان فرستاده‌ای در میانشان برانگیخت که آیات او را برای‌شان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هر چند پیش از این در گمراهی آشکار بودند.